

شمارش معکوس سقوط آل سعود

آل سعود می‌خواست با این جنایت بزرگ، نمایش قدرت بدهد ولی آنچه حادث شد، نشانگر ضعف، انزوا، ترس و نگرانی آل سعود بود که هیچ حامی و فریادری در کنار این خاندان دیکتاتور باقی نمانده است.



به گزارش آران نیوز: خشم و خروش و انزجاری که جنایت آل سعود به بار آورده و موج اعتراض جهانی را علیه دربار عربستان سرازیر کرده، به سمت و سوئی می‌رود که ارکان رژیم ننگین آل سعود را به لرزه در می‌آورد.

این فقط یک تهدید از جانب مسلمانان خشمگین نیست بلکه زنگ خطری است که حامیان آل سعود آنرا به صدا در آورده‌اند و درباره عواقب آن هشدار می‌دهند. «سندی تایمز» چاپ انگلیس طی مقاله‌ای با عنوان «آیا این پادشاه، خانه آل سعود را ویران می‌کند؟» به دوره کوتاهی کمتر از یکسال اشاره دارد که ملک سلمان بدترین سال در طول تاریخ زمامداری آل سعود را تجربه می‌کند. از یکطرف افراط‌گرایی وهابی را اساس ساختار فکری تروریست‌ها در مقیاس جهانی قرار داده‌اند و از سوی دیگر تبعیض، سرکوب مخالفین و تحقیر اقلیت‌ها به هر قیمت ممکن در سرلوحه سیاست‌های آنهاست که اختلاف و اعتراض درون خاندان پادشاهی را هم برانگیخته است.

حتی اگر آل سعود در ساختار قدرت و حاکمیت همفکر و همراه باشند، تصور نکنند که این خون‌های بناحق ریخته شده گریبانشان را رها خواهد کرد. این یک سنت الهی است که مظلومیت مظلومان، با سرعتی باور نکردنی گریبان جباران تاریخ را می‌گیرد و آل سعود از این قاعده مستثنی نیست. ریاض به گفته رسانه‌های آلمانی درهای جهنم را به روی خود گشوده و مسیر سقوط خود را هموار ساخته است. این همان نکته‌ای است که ماه‌ها پیش باراک اوباما در یک هشدار علنی و رسمی خطاب به ملک سلمان مطرح ساخت که به جای متهم ساختن همسایگان به فکر تغییر اوضاع نابسامان داخلی و پایان دادن به خفقان و سرکوب مخالفین باشد که ارکان حکومت آل سعود را متزلزل ساخته است. با اینحال چرا آل سعود همچنان به جنایت سرگرم است؟ زیرا امیدوار است با جنایت و کشتار و سرکوب، کنترل اوضاع را در دست بگیرد و با اعدام ۴۷ تن در یک روز و مشخصاً با شهادت روحانی برجسته و پرنفوذی همچون شیخ نمر، رعب و وحشتی در صفوف مخالفین و معترضین بیندازد اما آنچه انجام شده، نتایج کاملاً معکوسی به همراه داشته و همچون بنزینی بر روی آتش خشم و اعتراض مردم مظلوم عربستان پاشیده شده و موجبات اوج‌گیری اعتراضات یکپارچه علیه آل سعود را فراهم کرده و انعکاس جهانی آن زمینه‌های مرگ آل سعود و نابودی این خاندان فاسد و بی‌ریشه را تدارک نموده است.

آل سعود می‌خواست با این جنایت بزرگ، نمایش قدرت بدهد ولی آنچه حادث شد، نشانگر ضعف، انزوا، ترس و نگرانی آل سعود بود که هیچ حامی و فریادری در کنار این خاندان دیکتاتور باقی نمانده است.

اتحادیه اروپا، عفو بین‌الملل، دبیرکل سازمان ملل و حتی آمریکا با عبارات متفاوت و هشدار دهنده‌ای در قبال این فاجعه موضع گرفته‌اند و تصریح می‌کنند که مراتب نگرانی خود را در بالاترین سطوح ممکن به اطلاع دربار سعودی رسانده‌اند. آل سعود تصور می‌کرد، با این اقدام جنایتکارانه، می‌تواند منطقه را به آشوب کشانده و جنگ تازه‌ای میان شیعه و سنی به راه اندازد ولی به عکس آرزوهای دست نیافته، اکنون مظلومیت شیعه و ددمنشی آل سعود حتی به پیروان اهل سنت به وضوح ثابت شده است. با اعلام حمایت رسمی و علنی ملک سلمان از قتل عام شیعیان در نیجریه، جنایت اخیر آل سعود و به شهادت رساندن شیخ نمر رهبر شیعیان عربستان چندان دور از انتظار نبوده است، کما اینکه غرب هم در جنایات آل سعود «شریک جرم» است و بعید نیست که برای چنین جنایتی به آل سعود چراغ سبز هم داده باشد و احتمالاً اردوغان هم از پشت پرده ماجرای منجر به این جنایت آگاه بوده است. غرب در این وادی دچار تناقض شده و دقیقاً وجود «استاندارد دوگانه» و «رفتار گزینشی» در این مقوله کاملاً قابل شناسائی و ردیابی است. غرب از یکطرف برای عراق و سوریه سینه چاک می‌کند و ادعا دارد گویا اهل سنت عراق و سوریه تحت فشار بوده‌اند و برای چاره‌جوئی، حتی طرح تجزیه عراق و سوریه را به عنوان راهکاری در جهت پایان دادن به این ماجرا مطرح می‌سازد. اما نه تنها به طور همزمان نسبت به سرکوب آشکار شیعیان در بحرین، یمن و عربستان و آنهم تماماً توسط رژیم سفاک آل سعود ساکتند بلکه حتی با تجهیز و حمایت تسلیحاتی اطلاعاتی آل سعود، مدرن‌ترین جنگ‌افزارهای مورد نیاز ماشین جنگی آل سعود را در اختیارش قرار می‌دهند و به سکوت مرگبار خود در قبال فجایع روزمره علیه شیعیان در یمن، بحرین و عربستان ادامه می‌دهند. بدین ترتیب حتی اظهارنظر اخیر غرب در قبال جنایت آل سعود هم یک مانور سیاسی تبلیغاتی برای در امان ماندن از واکنش افکار عمومی جهان است.

آل سعود نسبت به این حمایت‌ها نیز مطمئن و دلگرم نباشد. شاه خائن ایران نیز از حمایت‌هایی به مراتب قوی‌تر و رسمی‌تر برخوردار بود ولی آخرالامر، حتی آمریکا هم نتوانست کاری از پیش ببرد و به روایت اطرافیان شاه معدوم در جریان سفر بی‌بازگشت وی، سرانجام یک مامور آمریکائی بخاطر حفظ منافع آمریکا باعث مرگ وی شد تا بلکه بقایای منافع آمریکا به دور از حیات ننگین شاه معدوم، حفظ و حراست شود.

شاه معدوم و اطرافیان جنایتکارش پس از کشتار ۱۷ شهروبر مطمئن بودند که ارکان حکومت ستم شاهی را حداقل برای یک دوره ۲۰ ساله دیگر تضمین کرده‌اند ولی در میدان عمل ثابت شد که تیر خلاص رژیم شاه در همان روز بر اثر کشتار ۱۷ شهروبر

شلیک شده بود. خون‌های بناحق ریخته‌ای که آل سعود در یمن، بحرین، عراق، سوریه و داخل کشور عربستان مسؤل آنست، گریبان این رژیم جنایتکار و سفاک را رها نخواهد کرد و اکنون شمارش معکوس برای پایان این حکومت پرننگ و نفرت آغاز شده است.

منبع: روزنامه جمهوری